

مشارکت به مثابه حفظ حیثیت در مقابل "دیگری" (مطالعه فرایند و ساختار مشارکت در تجربه آبرسانی دهستان زلان)

دکتر موسی عنبری^۱ و محمدعزیز احمدی^۲

تاریخ وصول: ۹۵/۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۲۵

چکیده:

موضوع پژوهش، فهم و بررسی زمینه‌های اجتماعی و موقعیتی مشارکت در یک تجربه توسعه‌ای، یعنی فرآیند آبرسانی شش کیلومتری مردمی روستای زلان از توابع شهرستان جواترود است که با روش کیفی و تکنیک‌های مصاحبه‌ای عمیق و مشاهده، اطلاعات گردآوری شده و با شیوه‌ی گراندد تئوری (کدگذاری باز و محوری) تحلیل شده‌است. اگر در روایت نوسازی، مشارکت اقدامی قابل برنامه‌ریزی و متأثر از عوامل مشخصی چون سطح تحصیلات، درجه‌ی شهرنشینی و رسانه‌های جمعی (لرنر و راجرز) ملاحظه می‌شود و تسهیل‌گر اقدامات توسعه‌ای است و در روایت پساتوسعه به مثابه جعلی سرمایه‌دارانه مطرود و قابل نقد است، چرا که کنشگران سوژه‌های منفعل گفتمان مشارکت تلقی می‌شوند، یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که ماهیت معنا و مفهومی مشارکت، آشکال و میزان شدت آن و نیز نتایجی که از مشارکت حاصل می‌شود تابع کنش‌های اجتماعی و گفتگوی متقابل میان عوامل مرتبط با مشارکت است. افراد مختلف بسته به نیاز، منافع، جایگاه اجتماعی و رسمی و باورهای اخلاقی و دینی خود می‌توانند بر ابعاد این پدیده تأثیر بگذارند. مشارکت جمعی جامعه‌ی مورد مطالعه، علاوه بر حفظ و بقای زیستی و هویتی خویش، اقدامی جهت "اثبات خوداتکایی و حفظ آبرو و حیثیت" در مقابل روستاهای همجوار از یک طرف، و نوعی اعتراض در مقابل "عدم انجام به موقع یک اقدام فوری توسط مسئولان ادارات" از طرف دیگر، بوده است.

مفاهیم کلیدی: مشارکت، حفظ حیثیت، دولت، دیگری، کمبود آب، دهستان زلان

^۱ دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران anbari@ut.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده‌ی مسئول) mardin2@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

از نیمه‌ی قرن بیستم به بعد، تحولات در نظریه‌ها و رهیافت‌های توسعه، در مسیری حرکت کرده است که هم تولید علم و دانش و هم کاربرد و مصرف آن به خاطر تنوع و تکثر محیط‌ها و شرایط اجتماعی - فرهنگی، هر چه بیشتر به سمت محلی - بومی و محدود پیش می‌رود. انگار دیگر نمی‌توان الگوها و مفاهیم عام و از پیش آماده را برای مسائل متفاوت به ظاهر مشابه تجویز کرد. در نتیجه تلاش در جهت تدوین مقولات و مفاهیم به شکل استقرایی و از پایین به بالا که برآیند تنوع اجتماعی - فرهنگی باشد، بهتر می‌تواند واقعیات اجتماعی را بازنمایی کند.

بشر همواره با ابزار علم و دانش در صدد بهبود زندگی خویش بوده است و در عصر مدرن نیز تلاش برای ارتقای سطح زندگی مردم و برقراری عدالت اجتماعی، به یکی از مبانی مشروعیت بخش دولت تبدیل شده است؛ هدفی که اساس دولت‌های رفاه را تشکیل می‌داد. بهبود زندگی مردم و یا به تعبیری، توسعه، هر چند در اوایل دهه‌ی ۱۹۵۰ یک رسالت و وظیفه‌ی صرف دولتی محسوب می‌شد، اما با محرز شدن ناکامی و انحرافات توسعه و پیامدهای نامطلوب اجتماعی - فرهنگی اقدامات توسعه‌ای، اهمیت مشارکت گروه‌های هدف در طرح‌های توسعه‌ای بیشتر و پذیرش مردمی دخالت‌های دولت به یک ضرورت بدل شد. ایده‌ی توسعه‌ی مشارکتی از چنین ضرورتی برخاست. مشارکت علاوه بر کاهش هزینه‌های دولتی، اگر واقعی باشد، مسئولیت‌پذیری گروه‌های هدف را نیز در پی دارد.

موضوع این پژوهش فهم چرایی و چگونگی مشارکت مردم روستای زلان در مواجهه با مشکل "کمبود شدید آب" در دهه‌ی ۱۳۷۰ و خصوصاً تابستان و پاییز سال ۱۳۷۸ می‌باشد. هدف، بررسی فرایند تحقق یک ابتکار محلی و بومی برای حل این مشکل است. آب در کنار (یا قبل از) غذا و پوشاک از حیاتی‌ترین نیازمندی‌ها و ضروریات حیات و شرط اصلی بقای هر گروه و اجتماع و عامل عمران و آبادانی است و در ادبیات توسعه نیز تأمین آب آشامیدنی سالم از جمله مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌ی انسانی و اجتماعی معرفی شده است (کلانتری، ۱۳۹۲: ۱۰). اگر چه نیاز انسان به آب در مرتبه‌ی نخست، یک ضرورت زیستی است اما نحوه‌ی تأمین و توزیع آب، میزان توجه به کیفیت آب و باورهای مرتبط با آب، به فرهنگ و نظام ارزشی هر اجتماعی بر می‌گردد. به تعبیر دیگر نحوه‌ی برخورد با این نیاز زیستی با راهکارهای فرهنگی - اجتماعی مرتبط است. کاهش طبیعی منابع آب و میزان بارش از یک طرف و تأثیر عوامل انسانی و اجتماعی از طرف دیگر می‌تواند به کاهش

سهم افراد و گروه‌ها و اجتماعات از آب و نهایتاً رقابت بر سر تصاحب منابع آب گشته و به تنش و اختلافات اجتماعی دامن زند. طبق مشاهدات یکی از محققان که از سال ۱۳۸۲ به‌عنوان مدیر دبیرستان در دهستان زلان به مدت شش سال مشغول خدمت بوده و از ابتدای خدمت در آن روستا با مسائل مختلفی پیرامون کمبود آب خصوصاً در فصل تابستان و اوایل پاییز برخورد کرده است، عده‌ای از زنان و دختران حاشیه غربی روستا (همجوار دبیرستان) که نسبت به سایر محله‌ها از نظر کم‌آبی در مضیقه‌ی بیشتری بودند، هر روزه در زمان باز شدن فلکه‌ی آب روستا - که در طول شبانه‌روز سه بار و هر بار به مدت یک ساعت باز می‌شد - مجبور بودند که آب مورد نیاز خود و گاه دام‌هایشان را با دبه، سطل، دیگ و با فرغون از منازلی که آب به آنها می‌رسید، تهیه کنند. از آنجا که مدت زمان باز شدن فلکه‌ی آب یک ساعت بیشتر نبود، لازم بود که آنها با سرعت و زحمت بسیار در این زمان محدود حجم زیادی از آب را به خانه‌های خود انتقال دهند. با وجود چنین وضعیت پر از مشقت و مضیقه‌ای که زنان و دختران محله‌های غربی روستا داشتند، آب زیادی از جلو منازل دیگر محله‌ها جاری بود که هر از گاهی بی‌هوده باز بودن شیرهای آب آنان باعث نارضایتی زنان و دختران محله‌های بی‌آب و ابراز ناراحتی و دشنام و ناسزا می‌شد و تا حد دعوا پیش می‌رفت. مسائل مرتبط با کمبود آب غالباً به اعضای شورا و امام جماعت روستا نیز می‌رسید و امام جماعت هم برخی خطبه‌های نماز جمعه را به اختلافات همسایه‌ها و رعایت صرفه‌جویی در مصرف آب اختصاص می‌داد. اعضای شورای روستا کنترنگذاری را به‌عنوان یک راه حل کمبود آب محله‌های حاشیه‌ای پیشنهاد کردند. زمان جمع‌آوری هزینه‌ی ماهیانه‌ی مصرف آب، که به‌طور یکسان از هر خانوار ۱۰۰ تومان دریافت می‌شد، برخی خانوارها از پرداخت هزینه‌ی امتناع کرده و پرداخت هزینه‌ی یکسان در مقابل مصرف متفاوت و برخورداری نابرابر از آب را ناعادلانه می‌دانستند، که اگر بخواهیم علت تمام این مشکلات، اختلافات و مشاجره‌های بین طرفداران کنترنگذاری و مخالفان آن، ابراز نارضایتی برخی محله‌ها از بهداشتی نبودن آب در اثر شکستگی لوله‌ها در برخی معابر داخل روستا که به دلیل مشکلات مالی و عدم بودجه لازم، امکان تعمیر اساسی آن مقدور نبود و بسیاری مسائل دیگر را در یک عبارت خلاصه کنیم، باید "کمبود آب" را عنوان کنیم.

روستای زلان، به‌عنوان بزرگ‌ترین روستای دهستان زلان از بخش مرکزی شهرستان جوانرود (از توابع استان کرمانشاه) از دهه‌ی ۱۳۷۰ به تدریج و به شکلی متناوب بامسئله‌ی کمبود آب و خصوصاً آب آشامیدنی مواجه بوده‌است. آب مورد نیاز این دهستان که در

ابتدای این دهه حدود ۲۵۰ خانوار (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶) جمعیت داشته، از سه چشمه واقع در ضلع مرتفع شمالی روستای زلان تأمین شده است. چشمه‌ها با نام‌های محلی چاوک، غوی یا غیبی و گله‌زرد^۱، علاوه بر مصارف خانگی در آبیاری برخی باغات شمال روستا نقش مهمی داشته است و با توجه به سطح آگاهی‌های بهداشتی مردم و سطح انتظارات آنها، نوعی تعادل معیشتی بین میزان آب چشمه‌ها و میزان مصارف مردم دهستان وجود داشته است. جهاد سازندگی که در اوایل انقلاب نقش مهمی در سازندگی و توسعه‌ی مناطق روستایی داشت، با تأمین مصالح و وسایل مورد نیاز و با مشارکت مستقیم مردم روستا اقدام به ساخت آب‌انبار و انشعاب سه لوله به محله‌های روستا نمود که خانوارها با ظروف مختلف آب مورد نیاز را در فاصله‌ی کمی، به منازل انتقال می‌دادند. با افزایش جمعیت و گسترش و آسفالت راه ارتباطی دو شهرستان جواهرود و ثلاث باباجانی، که دهستان زلان نیز در این مسیر واقع است، به تدریج خانه‌هایی در قسمت‌های جنوبی روستا، که به جاده نزدیک اما از چشمه‌ها دور بودند، ساخته شدند و کم‌کم بیشتر خانه‌های روی تپه به دامنه‌ها و قسمت‌های هموار و نزدیک جاده نقل مکان کردند. در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۳۷۰ با وقوع خشکسالی‌های پی‌درپی، میزان آب چشمه‌ها، دیگر جوابگوی مصارف خانوارها (حدود ۳۰۰ خانوار) نبود. کمبود آب آشامیدنی در تابستان سال ۷۸ به اوج رسید و زنان و دختران مجبور شدند از چشمه‌های دور و نزدیک حوالی روستا با مشقت زیادی آب مورد نیاز را، در حد نیاز ضروری و با حداکثر صرفه‌جویی، تأمین کنند؛ مردان نیز اگر چه شبانه و در اوقات بیکاری اندکی از بار مشقت زنان را کم می‌کردند و با حیوانات باری یا تراکتور از چشمه‌های اطراف روستا آب می‌آوردند، اما این نیز راه چاره‌ی همیشگی نبود. سؤال اصلی این است که در موقعیتی که دهستان زلان از کمبود آب در رنج بود و خصوصاً در تابستان و پاییز سال ۷۸ که کم‌آبی به اوج خود رسید، مردم زلان با استفاده از چه راهکار و ابتکاری با این مشکل به مقابله برخاستند و چگونه و به چه دلایلی در یک کنش جمعی و مشارکتی اقدام به تأمین آب کردند؟ مشارکت جمعی مردم در فرایند آبرسانی شش کیلومتری تا روستای زلان شامل چه مؤلفه‌ها و تابع چه شرایطی بوده و چگونه انجام یافته است؟

با وجود دو دستگی مردم روستا در پذیرش یا عدم پذیرش کنترگذاری و امتناع و مخالفت برخی از خانوارها با آن، اعتراض محله‌های حاشیه‌ای از مشارکت مساوی در آبرسانی با وجود اختلاف در خصوص شرایط و نحوه‌ی توزیع آب و عدم دسترسی یکسان

^۱ Chawek, Ghawi, Glazard

محلها به آب آشامیدنی لوله‌کشی شده و سایر مسائل پیش رو، اگر توانایی درون‌زاد مردم روستا در خلق یک ابتکار محلی، یعنی انتقال آب چشمه‌ای دور دست (با فاصله‌ی ۵/۵ کیلومتری از روستا) نبود، احتمالاً روستا به‌عنوان یک زیست‌بوم و هویت اجتماعی خاص به سرایشی سقوط و ویرانی و تخلیه مواجه می‌شد. عدم شناخت کافی از معنا و مفهوم مشارکت و نیز شرایط اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر آن در محیط‌های محلی و بومی خاص، نه تنها نتایج بسیاری از اقدامات توسعه‌ای دولت محور را عقیم می‌گذارد، بلکه موجب بروز آسیب‌های اجتماعی، خصوصاً در تعامل پایدار مردم و مسئولین محلی (به‌عنوان نمایندگان دولت) می‌گردد. ضعف کارهای پژوهش داخلی در فهم ماهیت مشارکت و تبیین آن با یک یا چند متغیر محدود و رویکرد نظری خاص و گزینش در داده‌ها متناسب با نظریه، اهمیت و ضرورت بررسی استقرایی مشارکت را در یک زمینه‌ی محلی و بومی به روش گراندد تئوری مضاعف می‌کند.

مبانی مفهومی و نظری پژوهش

از زمانی که توسعه به مثابه یک "چراغ فروزان" و "نور امید" از تحقق وعده‌های خود عقیم ماند و پروژه‌های توسعه نه تنها قرین موفقیت نبود بلکه با یک سری ناخرسندی‌ها مثل افزایش شکاف درآمد شهر و روستا و افزایش روستاهای خالی از سکنه و فقر و نابرابری و کاهش بهزیستی و ... همراه گشت، صاحب‌نظران و محققان توسعه از یک طرف و کارگزاران از طرف دیگر، شروع به بازاندیشی در ایده و پروژه‌ی توسعه نمودند. فقدان موفقیت برنامه‌های توسعه به عدم مشارکت یا مشارکت محدود گروه‌های هدف نسبت داده شد. این بود که توسعه با پسوندهایی چون مشارکتی، مردم‌گرا، انسانی و ... توأم شد. «در نتیجه، ایده‌ی افزایش مشارکت مردمی که بازتاب شکست برنامه‌ریزی و سیاست‌های پدرسالارانه بود بخش جدایی‌ناپذیر سیاست‌های توسعه‌ای جدید شده و تعامل و چگونگی پیوند این دو مؤلفه (دولت و مشارکت) در فرایند توسعه مورد توجه پژوهشگران مباحث مشارکت قرار گرفته است» (ازکیا، ۱۳۸۶: ۱۶۲). «مشارکت اجتماعی دلالت بر گسترش روابط بین‌گروهی در قالب انجمن‌های داوطلبانه، باشگاه‌ها، اتحادیه‌ها و گروه‌هایی دارد که معمولاً خصلتی محلی و غیر دولتی دارند ...» (همان: ۱۶۳).

« ... مشارکت^۱ عمل یا واقعیت شرکت کردن، بخشی از چیزی را داشتن یا تشکیل دادن معنی می‌شود. بر این مبنای مشارکت می‌تواند متعددی باشد یا لازم، می‌تواند اخلاقی باشد یا غیر اخلاقی یا ضد اخلاقی، می‌تواند اجباری باشد یا اختیاری، می‌تواند اغفال‌آمیز و کنترل شده باشد یا خودجوش. بر مبنای تعریف، انواع متعددی یا غیر لازم مشارکت، هدف ویژه‌ای را دنبال می‌کند. در مقابل، در انواع لازم مشارکت، عامل مشارکت‌کننده بدون هیچ منظور از پیش تعیین شده‌ای وارد فرایند شرکت کردن می‌شود» (رهنما، ۱۳۷۷: ۱۸۵). در بررسی ادبیات مشارکت می‌توان تمام نظرات اندیشمندان درباره‌ی این مفهوم را حول دو رویکرد زیر طبقه‌بندی نمود:

۱- رویکرد دولت‌محور به مشارکت (بزارگرایانه)

دولت‌ها در طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه با مسئله‌ی مشارکت شهروندان مواجه هستند و نگاهی که به توده‌های مردم و اهمیتی که برای آنان در فرایند برنامه‌ریزی قائلند، تعیین‌کننده‌ی نحوه و میزان مشارکت و دخالت مردم در فرایند توسعه است. در دیدگاه توسعه‌ی مشارکتی « ... مشارکت هم عامل و هم مترادف توسعه تلقی می‌شود ... اگر مشارکت در توسعه در گذشته یک ضرورت عقلانی بوده است، امروزه به‌سان ضرورت اخلاقی و انسانی جلوه می‌کند. مشارکت یکی از ارزش‌های انسانی و اخلاقی مورد تأیید است که با خود عنصری از مسئولیت‌پذیری و عمل آگاهانه و آزادانه را حمل می‌کند ...» (عنبری، ۱۳۹۰: ۲۸۴). اگر چه نحوه و میزان مشارکت مردم در طرح‌های توسعه بسته به محیط‌های مختلف سیاسی و اجتماعی تنوع زیادی به خود می‌بیند، اما در این میان برخی صاحب‌نظران به قالب‌بندی الگوهای مختلف مشارکت بر اساس ایدئولوژی دولت اقدام کرده‌اند. «جیمز میجلی با توجه به ایدئولوژی‌های سیاسی و دولتی، چهار نوع الگوی مشارکت را ذکر می‌کند که می‌توان آنها را گونه‌های غالب توسعه‌ی دولت‌گرا یا مشارکت همراه با دولت بیان کرد؛ ... الگوی ضد مشارکتی، الگوی مشارکت کنترل‌شده، الگوی مشارکت دفعی و ناگهانی و الگوی مشارکتی» (همان: ۲۹۴). در الگوی ضد مشارکتی^۲ « ... دولت علاقه‌ای به فقرا ندارد و از مشارکت اجتماعی محلی و نیز توسعه‌ی اجتماعی حمایت نمی‌کند ... طرفداران این طرز تفکر معتقد به سرکوب مشارکت توده‌ها هستند»

^۱ participation

^۲ anti-participatory pattern

(میدجلی^۱، ۱۹۸۸: ۳۶). به نظر می‌رسد حکومت‌های توتالیتر که خواهان تمرکز انحصاری بر تمام منابع جامعه هستند، چنین برخوردی با مشارکت داشته باشند. در الگوی مشارکت کنترل یا هدایت‌شده^۲ «دولت از مشارکت اجتماعی محلی با انگیزه‌های پنهانی حمایت می‌کند. مشارکت اجتماع محلی در این شیوه، به منظور کنترل سیاسی - اجتماعی، با علم به اینکه مشارکت هزینه‌های برنامه‌های توسعه‌ی اجتماعی را کاهش می‌دهد و اجرای آن را تسهیل می‌کند، به کار می‌رود» (ازکیا، ۱۳۸۶: ۱۶۶). در این معنا دولت «... مفهوم محدود مشارکت (صوری) را بر مفهوم گسترده‌ی آن (اصلی) ترجیح می‌دهد» (هال^۳، ۱۹۸۶: ۹۷). این شکل مشارکت مستلزم همکاری مردم با مأموران دولتی در مرحله‌ی اجرای برنامه‌ریزی توسعه است. در الگوی مشارکت دفعی و ناگهانی^۴ «... پاسخ به مشارکت اجتماع محلی از جانب دولت‌ها بدین‌گونه است که با مشارکت مخالفت نمی‌کنند، اما در فراهم کردن پشتوانه‌های لازم برای تحقق و تقویت مناسب آن کوتاهی می‌کنند. پاسخ‌های آنان به مشارکت مقطعی است و حالتی نمایشی دارد» (ازکیا، ۱۳۸۶: ۱۶۸). در کشورهای در حال توسعه دستگاه بوروکراتیک دولتی متمرکز، اصلی‌ترین عامل این نوع الگوی مشارکت است. در الگوی مشارکت واقعی^۵ «دولت به‌طور کامل از مشارکت اجتماعی حمایت می‌کند و از طریق ساز و کارهایی برای ورود مؤثر اجتماعات محلی در تمامی ابعاد و سطوح توسعه تلاش می‌کند» (همان: ۱۶۹).

در نسخه‌ی نوسازی از توسعه، مشارکت ابزاری است که می‌تواند در تحقق اهداف طرح‌های توسعه‌ای دولت محور و سازمان‌های حامی توسعه مؤثر افتد و دولت‌ها از دانش و منابع محلی و انرژی ذهنی و بدنی مردم برای کاهش هزینه‌های خود و یا تسهیل اقدامات و اهداف مد نظر و احیاناً کسب مشروعیت سیاسی بهره‌برداری کنند. در غالب رویکردهای رسمی به مشارکت «ارتباط دولت و مشارکت» محرز است و مشارکت پدیده‌ای نه خودانگیخته و درون‌زا بلکه «هدایت شده» و «برون‌زا» است و به مشارکت به دلیل کارکردهایش، خصوصاً برای تسهیل رشد اقتصادی و کاهش هزینه‌های دولتی و احیاناً کسب مشروعیت سیاسی، توجه می‌شود.

¹ Midgley

² manipulated pattern of participation

³ Hall

⁴ incremental pattern of participation

⁵ genuine pattern of participation

۲- رویکرد انتقادی به مشارکت

از نظر مجید رهنما، به عنوان یکی از صاحب نظران پساتوسعه، مشارکت از ریشه های اجتماعی - فرهنگی خود جدا شده است و در عصر توسعه (با پسوندهای جذاب آن) صرفاً به عنوان یک "منبع" برای اقتصاد تلقی می شود. رهنما با یک لحن طنزآمیز و انتقادی خطاب به توسعه ی مشارکتی می گوید: «... فرایندهای واقعی گفت و شنود و کنش متقابل باید جایگزین رابطه ی ذهن - عین بین مداخله گران و مداخله شونده گان گردد تا طبقات ستم دیده نتوانند آزادانه سرنوشت خود را به دست گیرند» (رهنما، ۱۳۷۷: ۱۲۲). رهنما معتقد است که امروزه به شش دلیل دولت ها از مشارکت نمی ترسند که یکی از مهم ترین آن دلایل عبارت است از «نمایش متظاهرانه ی مشارکت نوعی احساس همکاری بین سازندگان و مصرف کنندگان اوهام ایجاد می کند و این گمان در ذهن مردم ایجاد می شود که انگار دولت نسبت به مشکلات آنان حساس و مسئول است» (همان: ۱۱۸). «علی رغم برخی ادعاهای قابل توجه، بالعکس شواهد ناچیزی درباره ی کارایی پیوسته ی مشارکت در بهبود اوضاع مادی مردم آسیب پذیر و یا به عنوان یک راهبرد تغییر اجتماعی وجود دارد؛ در حالی که برخی شواهد در مقیاس خرد نقش مشارکت را در بهره وری تأیید می کند، شواهد تأثیر آن بر توانمندسازی و پایدارمندی بسیار ناچیز است ... از این رو مشارکت نوعی عمل در جهت ایمان به توسعه است؛ ما به بعضی چیزها معتقدیم و به ندرت درباره ی آنها سؤال می پرسیم» (کلور^۱، ۱۹۹۹: ۵۹۷). «نقص نظریه ی پساتوسعه، رابطه ی مبهم آن با عاملیت است» (سندلای، ۱۳۹۵: ۸۳). «نظریه ی پساتوسعه برای فهم نظم رسمی توسعه در سطح کلان و ساختاری و رابطه ی متقابل بین ساختارها و ایده های گوناگون توسعه، مفید است اما در مورد رابطه ی میان گفتمان ها و زندگی روزمره و بطور خاص در مورد ذهنیت و آزادی فردی و رابطه اش با گفتمان پرسش های مهمی را مطرح می کند» (همان: ۸۸).

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

رسولی (۱۳۹۲)، در پایان نامه ی خود با عنوان: بررسی تمایل به مشارکت شهروندان در مدیریت و توسعه ی پارک های محله ای تهران؛ که با روش پیمایشی بر روی نمونه ای ۴۰۰ نفری انجام داده است، معتقد است بین گرایش به مشارکت و مشارکت واقعی رابطه ی

¹ Cleaver

معنی داری وجود دارد. به علاوه تصور فرد از مهارت و تخصص خود نیز بر مشارکت تأثیر دارد (رسولی، ۱۳۹۲).

قاسمی‌نژاد (۱۳۹۱)، در پایان‌نامه خود تحت عنوان: بررسی رابطه‌ی هویت اجتماعی و مشارکت اجتماعی؛ که با روش پیمایشی بر یک نمونه‌ی ۱۶۵ نفری انجام داده است، نتیجه می‌گیرد که بین مؤلفه‌های هویت اجتماعی (احساس تعلق به طایفه و تعلق دینی) با مشارکت ذهنی و عینی رابطه وجود دارد (قاسمی‌نژاد، ۱۳۹۱).

یوسفوند (۱۳۹۴)، در مطالعه‌ی خود با عنوان: روند تغییرات مشارکت‌های محلی از یک دهه قبل از اصلاحات ارضی تا دهه ۸۰ شمسی؛ که در میان قوم لک با روش کیفی و مصاحبه با مطلعین محلی به انجام رسانده‌است، ورود عناصر مدرن به منطقه را باعث افزایش نگرانی مردم از تغییر تعاملات اجتماعی، سست شدن روابط خویشاوندی و اعتقادات دینی و شیوه‌های همیاری سنتی می‌داند (یوسفوند، ۱۳۹۴).

(ب) تحقیقات خارجی

خی، ژانگ شان (۲۰۱۱)، پژوهشگر چینی به بررسی گرایش و تمایل به مشارکت و نقش آن در برنامه‌ریزی، مدیریت و طراحی فضای سبز شهری؛ پرداخته‌است، ۵۹۵ نفر از شهروندان را مورد مطالعه قرار داده و معتقد است که بیشتر آنان ارزیابی مثبتی از نقش مشارکت در مدیریت شهری داشته‌اند.

چان والدر (۲۰۰۱)، در پژوهش خود با عنوان: تأثیر هویت خانواده بر مشارکت اجتماعی جوانان؛ معتقد است که مشارکت اجتماعی والدین بچه‌ها را به نوعی هویت اجتماعی مرتبط کرده و مشارکت آنان را در گروه‌های اجتماعی را تقویت می‌کند. یافته‌ها نشان‌گر آنند که فرزندان کشاورزان روستایی که والدین آنها جایگاه رهبری دارند، احتمال بیشتری دارد که در گروه‌های مدنی مشارکت داشته‌باشند.

گلشیری و دیگران (۲۰۰۹)، در پژوهش خود با عنوان: تأثیر وابستگی اجتماعی بر همکاری روستایی: مطالعه‌ی موردی بخش گندمان منطقه‌ی بروجن؛ نشان دادند که رابطه‌ی مثبت و معناداری بین انسجام اجتماعی و میزان مشارکت روستاییان وجود دارد. محققان برای سنجش میزان انسجام اجتماعی از شاخص‌های گرایش روستاییان نسبت به یکدیگر، میزان تعامل اجتماعی در بین آنها و میزان نزاع‌های جمعی در بین آنها استفاده کردند.

روش‌شناسی پژوهش

دریافت معنا و مفهومی مشارکت، شرایط علی و فرایند آن و برخی پیامدهای مثبت و منفی آن، با روش کیفی بهتر محقق می‌شود و اگر تناسب روش تحقیق با موضوع و مسئله‌ی پژوهش یک اصل روش‌شناختی باشد، "گراند تئوری" مناسب موضوع این تحقیق تلقی می‌شود. درگراند تئوری، «مشارکت‌کنندگان این مطالعه باید همگی فرایند مدنظر را تجربه کرده باشند و تدوین این نظریه می‌تواند در توضیح شیوه‌ی عمل آنها مفید بوده یا چارچوبی برای پژوهش‌های آتی فراهم آورد ...» (کرسول، ۱۳۹۱: ۸۵). در روش نظریه‌ی داده‌بنیاد «... پیش‌گر نوعی تبیین کلی (یا نظریه) از یک فرایند، اقدام یا تعامل ارائه می‌دهد که حاصل دیدگاه‌های تعداد زیادی از مشارکت‌کنندگان است» (کرسول، ۱۳۹۱: ۸۶). جهت گردآوری اطلاعات از تکنیک مصاحبه عمیق و نیز مشاهده‌ی مدارک و شواهد موجود استفاده می‌گردد. پس از تفکیک متن مصاحبه‌ها در قالب واحدهای معنایی، به صورت مفاهیم انتزاعی و سپس مقولات تلخیص شده و ارتباط مفاهیم و مقولات و مقولات با مقولات فرعی در راستای سؤالات تحقیق بررسی می‌شود. جامعه‌ی مورد مطالعه دهستان زلان، بزرگترین روستای بخش مرکزی شهرستان جوارود است. نمونه‌های این تحقیق تعداد ۲۲ نفر از افرادی است که دارای تجربه‌ی زیسته‌ی مرتبط با موضوع هستند که به شکل هدفمند انتخاب و سپس با معرفی افراد جدید به صورت گلوله برفی گسترش یافته است.

تبیین مشارکت بر مبنای نظر مشارکت‌کنندگان در فرایند تحقیق، بدین معناست که پژوهش حاصل تحمیل نظر محقق و اعتقاد نظری او بر واقعیات نیست و "علم بطور اجتماعی تولید و بر ساخت می‌شود". با توجه به اینکه در نظریه‌ی داده بنیاد واحد مشاهده "دیدگاه مشارکت‌کنندگان" است و واحد تحلیل "فرایند یا اقدام" است، این روش با مسئله‌ی این پژوهش یعنی مطالعه‌ی چرایی و چگونگی تکوین و گسترش مشارکت مردم در آبرسانی و پیامدهای آن، تناسب دارد.

با توجه به اینکه این پژوهش نه با رویکرد نوسازی - که الزام کاربرد روش پوزیتیویستی و شیئی‌نگری را در پی دارد و مشارکت را بر ساخت دولت می‌داند - و نه پساتوسعه - که مشارکت و مفاهیم مربوطه را جعل دولت و سازمان‌های حامی توسعه‌ی فرض می‌کند - به موضوع مشارکت نمی‌نگرد، بلکه مشارکت را بر ساختی اجتماعی و وابسته به شبکه‌ی تعاملات اجتماعی فرض می‌کند که عاملیت کنشگران بسته به موقعیت، در تولید و تعدیل گفتمان توسعه و مشارکت دخیل است، نظریه‌ی داده بنیاد در بررسی

موضوع مناسب به نظر می‌آید. « این روش هنگامی مناسب است که نظریه‌ای برای تبیین یک فرایند وجود نداشته‌باشد. ممکن است در پیشینه مدل‌هایی ارائه شده باشد اما بر مبنای نمونه‌ها و جمعیت‌هایی غیر از جمعیت و نمونه مد نظر پژوهشگر کیفی ایجاد و آزمون شده باشند؛ همچنین ممکن است نظریه‌های موجود ناقص باشند، چرا که به متغیرهای بالقوه‌ی ارزشمند مد نظر پژوهشگر نپرداخته‌اند» (کرسول، ۱۳۹۱: ۹۰). نگاه برساختی به پدیده‌ها و واقعیات اجتماعی مستلزم اتخاذ رویکرد دیالکتیکی و نه علت و معلولی به تبیین مشارکت است؛ مشارکت نه از عامل یا عوامل خاص با تعیین وزن تأثیرگذاری مشخص، بلکه حاصل کنش متقابل مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها و عناصر مختلف در یک بستر زمانی - مکانی محدود است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های میدانی این پژوهش از طریق مصاحبه با مطلعین محلی ابتدا ضبط شد و بعد از هر مصاحبه، پاسخ‌های مشارکت‌کننده در تحقیق به صورت متن پیاده شد. متن خام پاسخ‌ها در قالب واحدهای معنادار یا کدهای جنینی و اولیه تجزیه (کدگذاری باز) و در مقابل کدهای مشابه، مفاهیمی انتزاعی‌تر یا کدهای ثانویه (کدگذاری محوری)، با تشخیص محقق و تأیید یک محقق دیگر، تأیید اعتبار گردید. در واقع تمام اطلاعات میدانی در قالب ۹ طبقه از کدهای اولیه در راستای پاسخگویی به سؤالات مصاحبه و پرسش اصلی تحقیق سازماندهی گردید. در نهایت یافته‌های حاصل شده، در راستای تحقق دو هدف یعنی ساختار مشارکت (تحلیل پارادایمی) و فرایند مشارکت (تحلیل روایت و تقویمی) ارائه می‌شوند.

۱- ساختار مشارکت (تحلیل پارادایمی)

منظور از ساختار مشارکت بررسی چرایی مشارکت مردم در تجربه‌ی آبرسانی است که علاوه بر شناخت مسئله‌ی اصلی، یعنی کمبود شدید آب، شرایط علی (دلایل و انگیزه‌ی کنشگران از مشارکت)، پدیده‌ی اصلی (مشارکت)، شرایط مداخله‌گر (تسهیل‌کننده یا مزاحم مشارکت)، پیامدهای مسئله‌ی کمبود آب، مشارکت، عناصر و مؤلفه‌های مشارکت بررسی می‌شود.

جدول ۱: مسئله‌شناسی (کم‌آبی؛ بزرگ‌ترین چالش زلان)

مفهوم (پدیده‌ی اصلی)	کد اولیه (داده‌ی خام)
کم‌آبی؛ بزرگ‌ترین چالش زلان	سابقه‌ی کم‌آبی در گذشته
	عدم دسترسی یکسان به منابع آب در گذشته
	دسترسی بیشتر خانواده‌های نزدیک به شیر عمومی
	کمبود آب در اوایل انقلاب
	دستکاری چشمه‌های اصلی زلان در اوایل انقلاب
	کمبود مجدد آب پس از دستکاری چشمه‌ها
	تنزل آب چشمه‌ها در دو دهه‌ی گذشته
	فشار کم‌آبی، سختی‌ها و مشقت‌های آن
	حسرت گذشته‌ی پرآب زلان
	کمبود آب مورد نیاز مردم
	کاهش بارندگی در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۷۰
	کمبود شدید آب و محصولات کشاورزی در سال‌های ۷۷ و ۷۸
	تأمین عذاب‌آور آب در دو سال ۷۷ و ۷۸
	کاهش آب زراعی
	کمبود آب؛ دغدغه‌ی شبانه‌روزی مرد و زن
	کمبود آب؛ سخت‌ترین تجربه
	مشکلات حمام، شستشو، آب آشامیدنی و دام‌ها
	درک کامل عبارت «آب مایه‌ی حیات است»
فشار مضاعف کم‌آبی در کنار کار خانگی بر زنان	

آب فراتر و قبل از ابعاد اجتماعی - فرهنگی آن، یک نیاز زیستی است که ابقای فیزیولوژیک و امنیت وجودی انسان به آن وابسته است و کمبود آن را می‌توان به مثابه سخت‌ترین تجربه و بزرگ‌ترین چالش توصیف کرد.

جدول ۲: کاهش مقطعی شدت مسئله

کد اولیه (داده‌ی خام)	کد ثانویه (مفهوم)
ساخت آب‌انبار توسط جهاد سازندگی و همکاری مردم در اوایل انقلاب	ساماندهی اولیه توزیع آب
شبکه‌بندی و انشعاب آب توسط جهاد سازندگی در اوایل انقلاب	
لوله‌گذاری از آب‌انبار تا داخل روستا و ایجاد سه شیر عمومی در سه محله زلان	

از یافته‌های جدول فوق چنین برمی‌آید که در روستای زلان نیز همچون سایر اجتماعات، تأمین آب آشامیدنی سالم از جمله برنامه‌های بهسازی محیط روستا به شمار می‌رود که تا ابتدای دهه‌ی ۷۰ چندان بطور اساسی تحقق نیافته است.

جدول ۳: بروز مجدد مسئله

کد اولیه (داده‌ی خام)	کد ثانویه (مفهوم)
کاهش مجدد بارندگی و کمبود آب در اواسط دهه‌ی ۷۰	بروز مجدد مشکل کم‌آبی زلان
افزایش جمعیت زلان از ۲۵۰ خانوار به ۳۰۰ خانوار	
عدم تناسب جمعیت و میزان آب چشمه‌های روستا	
ساخته شدن ساختمان‌های جدید در حاشیه‌ی روستا و دور از چشمه	
افزایش مصرف آب در نتیجه آگاهی‌های بهداشتی مردم	

عدم تناسب جمعیت جامعه‌ی مورد مطالعه با میزان موجودی واقعی منابع آب از یک طرف و عدم تناسب انتظارات رو به رشد مردم (رشد آگاهی بهداشتی) با موجودی آب از طرف دیگر، مجدداً آب را به یک چالش تبدیل کرده است.

جدول ۴: حل مقطعی و کوتاه‌مدت مسئله

کد اولیه (داده‌ی خام)	کد ثانویه (مفهوم)
همکاری برخی افراد خیر روستاهای همجوار در تأمین موقت آب	رفع مقطعی و کوتاه مدت کم‌آبی (شرایط مداخله‌گر ۱)
همکاری موقتی نهادهای دولتی (بخشداری جوانرود) در انتقال آب با تانکر	
روی آوردن ناچاری و اجباری زنان و دختران به چشمه‌های اطراف روستا	
آب آوردن شبانه‌ی زنان و مردان از چشمه‌های اطراف روستا	
تکاپوی پیرزنان و پیرمردان ضعیف و ناتوان برای تأمین آب	
دعا و نیایش و قربانی بر روی چشمه‌ها به امید افزایش آب	
روی آوردن زنان و دختران به آب زراعی زمین زارعان	
مراجعه‌ی مکرر زنان و دختران به روستاهای اطراف جهت تأمین آب	
مراجعه‌ی مکرر تانکر روستای زنان به روستاها و چشمه‌های مجاور در طول روز	

علی‌رغم فصل کشاورزی و کار ساختمانی، مردم زنان و خصوصاً زنان و دختران، تا پیدا شدن یک ابتکار محلی و اساسی، با راهکارهای محلی و مزید بر انجام کارهای خانگی به تأمین موقتی آب مورد نیاز خانواده اقدام کرده‌اند.

جدول ۵: پیامدهای احتمالی و واقعی کمبود آب

کد ثانویه (مفهوم)	کد اولیه (داده‌ی خام)
پیامدهای ناخواسته و تحمیلی کمبود آب در تابستان و پاییز ۱۳۷۷ و ۷۸ (با کمبود آب چه اتفاقی افتاد و یا مردم با چه مسائلی مواجه شدند؟)	خشک شدن باغات پایین چشمه‌ها
	ترس عمومی از احتمال تخلیه‌ی روستا و کوچ به سایر روستاها و شهر
	فروش دام‌ها توسط برخی خانواده‌ها به منظور تطبیق با کمبود آب
	کاهش دام‌ها با فروش چند رأس از آنها
	مراجعه‌ی مکرر تانکر زلان به روستای x در طول روز و ممانعت و بدرفتاری برخی افراد با راننده و کاهش همکاری با او
	مشاجره و دعوای صاحبان زمین زراعی (صاحب چشمه) با زنان مردان بخاطر مسائلی چون: شستن لباس، آلوده شدن آب چشمه و زمین، کم شدن آب مورد نیاز زراعت و ...
	مشاجره و دعوا بر سر مالکیت چشمه‌های واقع در زمین کشاورزان
	بروز اختلاف خانوادگی و محله‌ای (عدم رعایت نوبت آب گرفتن از تانکر و دعوا بر سر چشمه‌ها و ...)
	بی‌فایده دانستن دعا و نیایش جهت افزایش آب چشمه‌ها
	فشار مضاعف کار خانگی و حمل آب از چشمه‌ها بر زنان و سختی زیاد مسئولیت‌های آنان (تعارض نقش زنان) و مشاجره در خانواده)
	نگاه مشکوک، ترحم‌آمیز و گاهاً تحقیرآمیز بیگانه‌ها به زنان در طول مسیر چشمه‌ها
	حرف‌های ناشایست پشت سر زنان و تهدید حرمت و اعتبار آنان
	آب غیر بهداشتی و احتمال بیماری ناشی از آن
افزایش هزینه‌ی خانوار بخاطر خرید مکرر ظروف حمل آب	

جدول ۶: شرایط تسهیل‌گر مشارکت

کد اولیه (داده‌ی خام)	کد ثانویه (مفهوم)
احساس حقارت افراد از وابسته بودن به روستاهای همجوار و جریحه‌دار شدن احساس مردم از برخی برخورد نامناسب افراد آن روستاها	شرایط مداخله‌گر ۲ (تسهیل‌گر و محرک مشارکت جمعی برای حل مشکل کم‌آبی)
بحث و گفتگو درباره‌ی مشکل کم‌آبی در بین گروه‌های مردان در میدان روستا و مسجد	
بحث و گفتگو درباره‌ی مشکل آب و سختی‌های آن در بین زنان بزرگ‌ترین روستای بخش مرکزی شهرستان جوانرود و فاقد آب (مورد ظلم و بی‌توجهی واقع شده است)	
عدم وفای مسئولان به وعده‌های شفاهی خود (نماینده و بخشدار)	
فقر فرهنگی (نداشتن کارمند در ادارات مرتبط با مشکل)	
پیشنهاد راه حل انتقال آب چشمه موسوم به سنجهای توسط معلم روستا	
(دارای آب فراوان و مشرف بر روستا و دو عیب مسافت زیاد ۶ کیلومتری و هزینه‌بر بودن)	
بحث و مذاکره بین موافقان و مخالفان طرح و گزینه‌های مختلف و نهایتاً تأیید راه حل	
بررسی تجربی راه حل توسط معلم روستا و بنایی به نام خسرو فرجی و مترآز مسافت چشمه تا روستا و نیز میزان آب چشمه	
رایزنی و مشورت معلم و معتمدین روستا با امام جماعت جهت مطرح کردن پیشنهاد در ملا عام	
سخنرانی توجیهی امام جماعت قبل از خطبه جمعه و نقش اقناعی و رهبری ایشان در بسیج عمومی و مشارکت تام در طرح آبرسانی	
درخواست امام جمعه و جمعی از معتمدین و شورای روستای زلان از بخشداری و فرمانداری جوانرود به منظور تأمین مصالح و یا اعتبار طرح	
عدم امکان تأمین فوری بودجه و اعتبار و مصالح توسط نهادهای مربوطه	
بازگشت مایوسانه‌ی معتمدین از بخشداری و جریحه‌دار شدن احساس عمومی	
موافقت نهادها با انتقال آب با تانکر و اختصاص تانکری برای این منظور	
متأثر شدن احساس جوانان از وضعیت پیرزنان و پیرمردان در تأمین آب مورد نیاز	
عدم امکان مهاجرت به شهر برای اکثر مردم	
مشارکت و همت جمعی عامل غلبه بر فقر مادی	
مشارکت و بسیج عمومی جایگزین سرمایه‌ی اقتصادی	
برگزاری نماز جمعه در محل چشمه سنجهای (حل مشکل به مثابه عبادت)	

احساس حقارت نسبت به روستاهای همجوار در این موقعیت و اهمیت حفظ حیثیت و اعتبار روستای زلان در مقایسه با آنها از جمله شرایط مداخله‌گر (تسهیل‌گر) در فرایند مشارکت در آبرسانی به نظر می‌آید. نقل قول زیر بیانگر این امر است:

«من هر روز با تراکتوری که تانکری به آن وصل است، برای آوردن آب از چشمه‌ها و شیرهای عمومی سایر روستاهای همجوار می‌رفتم. روستای X که در فاصله‌ی پنج کیلومتری روستای زلان واقع است، یکی از این روستاهاست که آب مازاد بر مصرف داخلی دارد. یکی از روزها که به این روستا رفتم، زنی مشغول شستن کفش‌هایش جلو چشمه بود. علی‌رغم اتمام کارش از جلو چشمه بلند نشد و من از او خواستم اجازه دهد شیلنگ آب را جهت پر کردن تانکر داخل چشمه قرار دهم، اما او نه تنها از جایش بلند نشد بلکه، مانع من شد و من هر قدر صبر کردم اما او حاضر نشد از جایش بلند شود و با غرور به من گفت: «آب خودمان است» و نهایتاً من مجبور شدم با تانکر خالی آنجا را ترک کنم و در حالی که خیلی از این جریان ناراحت و مأیوس شده بودم با دلی آکنده از گریه و بغض به روستای زلان برگشتم و موضوع را برای امام جماعت روستا بازگو کردم و ایشان در خطبه‌ی نماز جمعه موضوع را با اهمیت خاصی برای مردم بیان کردند» (یادداشت میدانی، مصاحبه با محمد صدیقی، راننده‌ی تانکر روستای زلان).

روستای زلان مرکز منطقه‌ی بزرگی به نام "بازان" است که تا قبل از اصلاح ارضی محل زندگی خان منطقه‌ی بازان بوده و بزرگ‌ترین روستای این منطقه با اعتبار و هویت خاصی، به شمار می‌رود. از طرفی بعد از انقلاب نیز برخی ادارات دولتی مثل خدمات کشاورزی، بهداشتی، کتابخانه، شعبه‌ی نفت، مقاطع سه‌گانه‌ی تحصیلی و ... در روستای زلان دایر بوده است. تا چند سال پیش که برخی تغییرات در تقسیمات سیاسی شهرستان جوانرود اتفاق افتاد، برخی بزرگان و معتمدین روستای زلان از نماینده‌ی وقت در مجلس شورای اسلامی، انتظار تبدیل آن را به بخش در سر داشتند. با این پیشینه‌ی نسبتاً مشهور زلان، وابسته شدن مردم زلان در ابتدایی‌ترین نیاز زیستی، یعنی آب آشامیدنی به سایر روستاهای کوچک‌تر، از نظر بیشتر افراد جای بسی تأسف و حقارت و مایه‌ی تنزل هویتی و اعتبار به شمار می‌رفت و هر آنچه به این وابستگی و حقارت و حیثیت خدشه‌دار شده دامن می‌زد، به مثابه چالش و با بدبینی و خشم به آن نگریسته می‌شد. بنابراین چنین "احساس جریحه‌دار" شده‌ای در این موقعیت، به چنان نیروی مقتدر و با ابهتی بدل شد که همه‌ی توانایی بدنی و ذهنی مردم را در راستای حل مشکل کم‌آبی به یک‌باره بسیج نمود که آن را "صرفاً" با قدرت دولتی، شایسته‌ی مقایسه می‌دانستند. از طرف دیگر تصویری که مردم از

قدرت و توانایی عظیم دولت در عمران و آبادانی داشتند انجام فوری "آبرسانی سنجهای" در کوتاه‌ترین زمان توسط دولت را در نظر آنان کاری بسیار ساده و ممکن می‌نمود. با توجه به سوابق پروژه‌های کلان دولت‌محور « مردم دولت را عامل تحقق بلندپروازی خود می‌دانند و در نتیجه همواره مردم توقع انجام معجزاتی از دولت دارند، بدون آنکه کم‌ترین درکی از ساز و کارهای ضروری برای تحقق چنین معجزه‌هایی داشته‌باشند» (برگر و دیگران، ۱۳۸۱: ۶۶)؛ بنابراین این نوع تصور معجزه‌آسا از قدرت دولتی در تضاد با عدم انجام به موقع آبرسانی ساده‌ی چشمه سنجهای توسط نهادهای دولتی قرار گرفت و مردم "عدم انجام" را به مثابه "عدم تمایل و همکاری دولت" با مردم زلان تفسیر کردند. البته نباید ارزیابی منفی مردم زلان از مسئولان دولتی را، خصوصاً در این موقعیت، به "محدود بودن شعاع اعتماد و صداقت و همکاری درون‌گروهی اعضای گروه" (فوکویاما، ۱۳۸۹: ۱۷۴-۱۷۳). در جوامع سنتی و روستایی نسبت داد و نیز نباید بر اساس این ادعا مردم زلان را متهم "به محق دانستن خود به رفتاری غیر اخلاقی با بیرونی‌ها" یعنی دولت، تلقی کرد؛ چرا که در آبرسانی و ساخت آب‌انبار جهاد سازندگی اوایل انقلاب و نیز در طرح برق‌رسانی نیز پا به پای نهادهای دولتی مشارکت اجرایی داشته‌اند. همین عدم همکاری به موقع مسئولان دولتی با زلان، احساس حقارت آنان را در مقابل سایر روستاها بیشتر جریحه‌دار کرد. نارضایتی مردم زلان از مسئولان دولتی تداعی این اعتقاد فاستر است که «روستائیان و کشاورزان در طی سال‌ها زندگی به این نتیجه رسیده‌اند که نقش و وظیفه‌ی مأموران دولتی اکثراً چیزی مغایر و مخالف با برنامه‌ها و علایق آنان است» (فاستر، ۱۳۷۸: ۴۴) و عدم پذیرش کنترگذاری نیز صحت‌ای بر این مطلب و پیامد چنین تصویری از نقش دولت است. بنابراین مشارکت جمعی مردم در مقابل عدم انجام به موقع یک درخواست و نیاز توسط یک "دیگری مقتدر" یعنی دولت صورت گرفت. متن مصاحبه‌ی زیر گویای همین واکنش مردم در مقابل عدم انجام به موقع آبرسانی توسط مسئولین وقت است:

« قبل از این کارها ما (معلم به همراه امام جماعت روستا) به فرمانداری جانورود رفتیم. بخشدار گفت: ما فقط می‌توانیم روزانه چند بار با تانکر برای شما آب بیاوریم. اما ما گفتیم تانکر با توجه به جمعیت زلان کفایت نمی‌کند و فقط مقطعی مشکل را حل می‌کند. آنها حتی ماشینی که بتواند لوله‌های خریداری شده را در اصفهان و کرمانشاه (۱۶۰۰ متر لوله سایز ۶ در کرمانشاه و ۳۸۰۰ متر نیز در اصفهان خریداری کردیم) به زلان حمل کند، در اختیار ما قرار ندادند » (یادداشت میدانی، متن مصاحبه با معلم روستا، ۹۴/۱/۷).

نقش و اهمیت سرمایه‌ی اجتماعی و سطوح و ابعاد مختلف آن در طرح‌های توسعه، جایگاه این مفهوم را هم در نظریات و هم پژوهش توسعه خاطرنشان می‌سازد. مردم دهستان زلان نیز علی‌رغم فقر اقتصادی و مادی، از نظر توانمندی که پیامد و نتیجه‌ی مشارکت به شمار می‌رود، فقیر و محروم قلمداد نمی‌شوند و با مشارکت جمعی خود پیامدهای نامناسب و آسیب‌زای فقر اقتصادی را خنثی کردند و توانستند پروژه‌ی پر هزینه‌ی انتقال آب چشمه سنج‌های را از فاصله‌ی ۵۵۰۰ متر تا روستا با نیروی بدنی و فکری خود و با هزینه‌ی مادی ناچیزی به انجام رسانند. یکی از مشارکت‌کنندگان در تحقیق می‌گوید:

« ... از طرف دیگر چون مردم در نهایت فقر بودند، نمی‌توانستند با وسیله‌ی دیگری آب فراهم کنند و خود باید این کار را انجام می‌دادند» (یادداشت میدانی، متن مصاحبه با محمد مرادی، ۹۵/۱/۵). یکی دیگر معتقد است: «در این عمل جمعی واقعاً مردم به خودباوری رسیدند که هر گاه مردم روستا بخواهند کاری را انجام دهند در اوج فقر و تهیدستی هم می‌توانند آن را انجام دهند» (یادداشت میدانی، متن مصاحبه با بختیار صدیقی، ۹۴/۱/۶).

جدول ۷: موانع مشارکت

کد ثانویه (مفهوم)	کد اولیه (داده‌ی خام)
شرایط مداخله‌گر ۲ (مانع یا مزاحم مشارکت در حل مشکل کم‌آبی)	مسافت زیاد چشمه تا مرکز دهستان زلان (۵۳۰۰ متر)
	نیاز به نیروی کار خیلی زیاد
	عدم حضور مردان در روستا بخاطر کار در شهرها و فصل کشاورزی
	به باور برخی انتقال آب باعث اختلاف و دعوا بین اهالی زلان با روستای چشمه نزار سفلی بر سر مالکیت چشمه سنج‌های خواهد شد
	برآورد هزینه‌ی زیاد و اعتبار مورد نیاز طرح توسط برخی نهادها (بخشداری)
	مخالفت و ایجاد مزاحمت برخی افراد روستای همجوار که دارای زمین زراعی در پایین چشمه سنج‌های بودند

جدول ۸: مؤلفه‌ها و جلوه‌های مشارکت

کد اولیه (داده‌ی خام)	کد ثانویه (مفهوم)
جمع‌آوری هزینه‌های اقدام (۸۰۰۰ تومان) توسط نمایندگان طوایف و تحویل آن به معلم	عناصر، مؤلفه‌ها و جلوه‌های مشارکت
سازماندهی اهالی روستا در گروه‌های کاری توسط امام جماعت روستا و تعیین میزان حفر کانال	
اقامه‌ی نماز جماعت جمعه در محل چشمه سنجهای	
انتقال لوله‌های سنگین ۵۰ متری توسط گروه‌های مردان در مسیر کوهستانی و صعب‌العبور بر روی شانه‌های خود	
همکاری افراد متناسب مهارت و توانایی جسمی و فنی (بنّا، تأسیساتی، معلم، امام جماعت، کارگر و ...)	
ساخت آب‌انبار بر روی چشمه به ابعاد ۲×۲×۲ متر (مشاهدات محقق، ۹۴/۱/۷)	
ساخت پنج عدد آب‌خوری جهت استفاده‌ی دام‌ها در فصل تابستان و پاییز که با فاصله‌ی ده متر از یکدیگر قرار دارند و از سرریز آب‌انبار پر می‌شوند (مشاهدات محقق، ۹۴/۱/۷)	
نقش زنان و دختران در انتقال برخی مصالح و تهیه‌ی غذا برای کارگران	
همکاری مضاعف و از خودگذشتگی برخی افراد مسئولیت‌پذیر (به موازات مشارکت کاری، در تأمین مصالح و ... نیز همکاری داشته‌اند)	

یکی از عوامل کلیدی در مشارکت جمعی مردم زلان و رایزنی با ادارات دولتی و نیز ایجاد هماهنگی و سازگاری گروه‌ها و طوایف مختلف زلان در امر آبرسانی سنجهای، نقش امام جماعت زلان است که با درایت خویش و پیشنهاد فردی مسئولیت‌پذیر (خادم مسجد)، در یکی از جمعه‌ها که مردم مشغول حفاری مسیر لوله‌ی انتقال آب بودند، در یک اقدام ابتکاری، نماز جماعت جمعه را در بلندی‌های کوه و در میان جمع کارگران برگزار می‌کند. برگزاری نماز جماعت در این موقعیت و مکان، تقدس بخشیدن به یک عمل جمعی و افزایش شأن آن در حد عبادت است. سنت مؤکدی که همواره در مسجد برگزار شده، در این زمان در کنار چشمه‌ای که تأمین‌کننده‌ی یکی از نیازهای اولیه‌ی مردم است، اقامه می‌شود. بیان و تداعی جلوه‌های مشارکت مردم در فرایند آبرسانی، محرک و مشوق مردم در انجام هر نوع مشارکت جمعی برای حل مشکلات آتی شده است که مردم همواره از آن به‌عنوان یک عمل مبارک و میمون یاد می‌کنند.

جدول ۹: پیامدهای سازنده‌ی مشارکت

کد ثانویه (مفهوم)	کد اولیه (داده‌ی خام)
پیامدهای مثبت و سازنده‌ی مشارکت	انتقال آب سنجه‌ای حیات دوباره به دهستان زلان بخشید
	با همدلی و همکاری بر هر مانعی می‌توان غلبه کرد (سوراخ کردن سنگ و بریدن کوه)
	ما با این کار ثابت کردیم با نیروی جمعی مردم می‌توان بر سخت‌ترین مشکلات فائق آمد
	کاری که فقط در توان دولت بود، ما توانستیم با همت خودمان انجام دهیم
	موفقیت ما ثابت کرد که در مواجهه با مشکلات باید اختلافات را کنار گذاشت
	اگر مسئولین برای ما کاری نکردند، ما خودمان باید به فکر خود باشیم

در میان کدهای جدول فوق و سایر جداول می‌توان نقش عاملیت را در برساخت مشارکت، جلوه‌ها و نتایج حاصله استنباط کرد. آنچه که متفکرانی چون جان براهمن «توسعه‌ی مردم‌گرا» می‌نامند، در کنش جمعی مردم زلان قابل درک است. «رویکرد اجتماع‌محور در مقایسه با رویکردهای جبرگرایانه‌ی اقتصادی و فرهنگی در تغییرات اجتماعی، اهمیت زیادی برای عاملیت انسانی قائل است» (استیوز و ملکات، ۱۳۹۰: ۴۷۴).

۲- فرایند مشارکت (تحلیل روایت و تقویمی)

روستای زلان، بزرگ‌ترین روستای دهستان زلان از بخش مرکزی شهرستان جوانرود، در اوایل انقلاب با افزایش جمعیت و نقل مکان تدریجی اهالی روستا از بلندای تپه به زمین‌های پست و هموار با کمبود آب آشامیدنی مواجه بوده است که با مشارکت جهاد سازندگی و همیاری مردم تا حدودی نحوه‌ی تأمین و توزیع آب ساماندهی گردید. با وقوع خشکسالی‌های پی‌درپی، خصوصاً از دهه‌ی ۷۰ و افزایش جمعیت روستا، کمبود آب آشامیدنی به یک مسئله و بحران تبدیل شد و متعاقب آن، مسائل مختلف زیستی، هویتی و اجتماعی دامن‌گیر اهالی زلان گردید و اگر چه بطور مقطعی با همکاری نهادهای دولتی و سایر روستاهای همجوار این مشکل قابل تحمل گردید، اما با توجه به فرا رسیدن فصل سرما این راه حل‌ها نتوانستند استمرار داشته باشند. البته زنان و دختران با زحمات و تلاش‌های مضاعف خود تا پیداشدن یک ابتکار بومی و دائمی، به تأمین آب پرداختند. کمبود آب صرفاً فشاری مضاعف بر زنان نبود، بلکه ترس از تخلیه‌ی روستا، رها کردن پیشه‌ی دامداری و کشاورزی، تهدید هویتی و حیثیتی اهالی زلان و اختلافات محله‌ای و

طایفه‌ای و احتمال امحای هویتی زلان نیز از سایر پیامدهای کمبود آب به شمار می‌رفت. علاوه بر موارد فوق، جریحه‌دار شدن احساسات زنان و مردان از وابسته شدن به سایر اجتماعات، نقش آگاهی‌بخش و هشدار دهنده‌ی امام جماعت، عدم پاسخگویی و همدلی به موقع مسئولان وقت به نیاز ضروری مردم به همراه مجموعه‌ای دیگر از متغیرهای تسهیل‌گر، از جمله دلایل کنشگران به مداخله‌ی فعال و جدی در اقدام مشارکتی به منظور انتقال دائمی آب چشمه سنج‌های بوده است که تأمین آب از فاصله‌ای صعب‌العبور (۵۵۰۰ متر) تا روستا را با همت جمعی خود و در مدت کوتاهی امکان‌پذیر ساخت. مردم زلان با پرداخت هزینه‌ی مادی و تلاش سخت جسمی و روحی خود و برگزاری نماز جماعت جمعه در محل چشمه و تقدس بخشیدن به عمل جمعی خویش و نیز حمل لوله‌های سنگین در مسیر صعب‌العبور و حوادث مختلف بدنی متعاقب آن، همواره یاد و خاطره‌ی این کنش جمعی را در گفتگوهای روزمره گرامی می‌دارند و بیان آن را چاشنی هر نوع مشارکت جمعی و عمومی خود در اقدامات آینده می‌سازند و از آن به‌عنوان یک عمل مبارک و میمون یاد می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

روایت آبرسانی و اقدام جمعی مردم دهستان زلان نشان می‌دهد که آن‌گونه که در رویکرد نوسازی رایج است؛ مشارکت را نباید صرفاً اقدامی از بالا به پایین و به خاطر تسهیل اجرای اقدام دولتی و عملیاتی کردن بُعد رسمی و اسنادی توسعه و اهمیت مشارکت مردم به‌عنوان شرط پذیرش عمومی طرح‌ها و اقدامات توسعه‌ای معنا کرد. از طرف دیگر نباید کنشگران را در مقابل طرح دولتی، به مثابه سوژه‌های قدرت گفتمانی توسعه، خنثی و منفعل تلقی کرد؛ آن‌گونه که متفکران پساتوسعه می‌پندارند. کنشگران و بازیگران عرصه‌ی محلی به میزان آگاهی خود از اقدام توسعه‌ای می‌توانند در آن بازاندیشی و اصلاح و تعدیل کنند. به تعبیر دیگر مشارکت به‌عنوان یک مفهوم و گفتمان نباید به مثابه امری که در خلاء و توسط ساختارهای نامرئی ساخته می‌شود، فهم گردد. کنشگران نیز به نوبه‌ی خود، در اجرا می‌توانند در پیدایش و تکوین، اصلاح، تکمیل و تغییر این گفتمان نقش فعال داشته باشند. مشارکت نه به‌عنوان گفتمانی که با نظم‌بخشی به نهادهای گوناگون به صورت شکلی عینی از دانش نمایان شده باشد، بلکه بیشتر در کنش‌های کنشگران با هم و از قبل وجود داشته است که رویدادها و حوادث تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و سیاسی در نحوه و

میزان بروز آن تأثیر دارند و این مشارکت نه توسط کارگزاران توسعه قابل ایجاد، بلکه قابل کشف و بررسی است.

در خلال تعاملات معتمدین و رهبران محلی و صاحب اقتدار سنتی - ارزشی (امام جماعت، معلم، شورا و ...) با توده‌های مختلف مردم از یک‌طرف و با مسئولان نهادهای و ادارات دولتی، از طرف دیگر، بازاندیشی در ایده و عمل مشارکت و توسعه به‌عنوان یک گفتمان یا کنش نهادی ممکن می‌شود. مشارکت و دیگر مفاهیم توسعه‌ای شبیه آن را صرفاً نمی‌توان و نباید دستگاه و پدیده‌ای تلقی کرد که علت واحدی مثل تصمیم دولتی یا حامی و سازمانی خاص داشته و آن را هدایت و بر ساخت می‌کند. مشارکت حتی اگر توسط دولت یا سازمان حامی توسعه پیشنهاد شده باشد، در عمل توسط کنشگران محلی ممکن است ردّ شود (مثل عدم پذیرش کنتورگذاری آب لوله‌کشی از جانب مردم زلان طی سال‌های ۷۸ تا ۹۴) و یا اصلاح، تغییر و تعدیل گردد و قلمرو معنا و هدف و نیز پیامدهای آن نیز در فرایند فهم توده‌های مردم عوض شود. «دانش از طریق فرایندهای کنش متقابل پدیدار می‌شود و ذاتاً محصول مشترک رویارویی و ذوب افق‌هاست» (لانگ، ۱۳۹۵: ۹۲). "حمایت از ابتکارهای محلی" و یا "همراهی با پویش‌های مردمی" پاسخی از منظر نظریه‌ی پساتوسعه به مسائل و اقدامات توسعه است» (متیوس، ۱۳۹۵: ۱۰۰)، که فرایند آبرسانی زلان با ویژگی‌های محلی و بومی خود، هم مصداقی برای این امر و هم نشانگر حساسیت نظریه‌ی پساتوسعه به "تفاوت"، و "اکراه از پذیرش بی‌چون و چرای اقتدار کارشناسان" است. ذکر این نکته ضروری است که نباید تأکید یک‌سویه و فراتر از حد معمول بر ابتکارات محلی و بومی در تغییرات توسعه‌ای اعمال گردد؛ چرا که مردمان محلی و بومی ممکن است «در به کار بردن هر گونه ابتکار درون‌زا برای توسعه‌ی خودشان، ناتوان» و «شدیداً نیازمند کمک‌های بیرونی» باشند (موریس، ۱۳۸۷: ۳۵۲). مردم دهستان زلان نیز اگر چه راه حل رفع مشکل کم‌آبی و حرکت به سمت مطلوب (انتقال آب چشمه سنج‌ای) را با خوداتکایی به انجام رساندند اما برخی اشکالات فنی و پیامدهای منفی (عدم توزیع برابر آب بین محله‌ها و پرداخت هزینه‌ی برابر توسط خانوارها و ...)، گواه این امر است که توسعه صرفاً و کاملاً پدیده‌ای درون‌زا نیست. برخلاف برخی نظریه‌پردازان نوسازی مثل لرنر، راجرز و فاستر که ترجیح منافع آبی بر منافع آبی را ویژگی جوامع سنتی و روستایی ذکر می‌کنند، مردم دهستان زلان به جای صرف پس‌انداز و پولشان برای فعالیت‌های لذت‌بخش و شادی‌آور، آن را در راستای یک رفاه و بهزیستی ماندگار هدایت کردند. اقدام مشارکتی مردم زلان نه تنها حمایت مردمی از "ابتکارات بومی" است بلکه

نوعی "مسئله مستقل" از خواسته‌ی کارگزاران دولتی بوده و عدم پذیرش کنترنگذاری نیز، نوعی مخالفت با کالایی شدن آب و طبیعت را تداعی می‌کند که خود نوعی مخالفت با "روایت سرمایه‌دارانه از توسعه" است. البته همان‌طور که جرج فاستر نیز اشاره می‌کند، در این مخالفت بحث آبرو و حفظ حیثیت و غرور اجتماعی جامعه‌ی مورد مطالعه، به مثابه موانع فرهنگی پذیرش تغییرات جدید نیز خودنمایی می‌کند (فاستر، ۱۳۷۸: ۱۴۲-۱۴۱).

مردم روستا علیرغم مشارکت در برق‌رسانی روستا (حفر چاله برای تیر برق، علم کردن تیرها و حمل تیرهای برق به نقاط مختلف روستا) و انشعاب آن در سطح محله‌ها و منازل، هیچ‌گونه مخالفتی با پرداخت هزینه‌ی ماهیانه و انشعاب آن نداشتند و این از آن‌روست که تأمین برق نه به منابع محلی، بلکه به منابعی نیازمند است که از توان مردم در سطح محلی و منابع آنان خارج است. پرداخت توأم با رضایت هزینه‌ی برق در مقابل اکراه از پذیرش کنترنگذاری و عدم پرداخت هزینه‌ی ماهیانه‌ی آب در این شرایط گویای این واقعیت است که جدای منطق اقتصادی، متغیرهای فرهنگی نیز در این پذیرش و آن اکراه، دخیل هستند. در تحلیل پدیده‌های اجتماعی با نگاه جامعه‌شناختی همواره باید این نکته را به خاطر داشت که نمی‌توان تمام پدیده‌ها را با نگاه واحدی تحلیل کرد. گاهی پدیده‌ای واحد همچون کمبود آب، بسته به فضا و موقعیت اجتماعی، پیامد و تبعات متفاوتی بر جای می‌گذارد. مثلاً از طرفی کمبود آب باعث تلاش بیشتر برخی افراد برای دسترسی به سهم فزون‌تری از آب و در نتیجه دعوا، اختلاف و جدال و قهر می‌شود. چنانکه بین زنان در هنگام آب گرفتن از تانکر پیش می‌آمد و نیز آن‌طورکه بین همسایه‌ها و محله‌ها بر سر توزیع نابرابر آب و اسراف و عدم صرفه‌جویی برخی سبب محروم شدن برخی دیگر، و به تبع آن درگیری و دعوا می‌شد؛ و از سوی دیگر گاهی کمبود آب به همراه برخی شرایط مداخله‌گر (دور شدن زنان و دختران از روستا، احساس حقارت مردان از وضعیت روستا، تعارض نقش خانه‌داری زنان با انتقال پرزحمت آب از چشمه‌های اطراف روستا و ...) سبب همدلی، انسجام و اتحاد اراده‌ها می‌شود که انتقال آب چشمه سنج‌ای تا روستای زلان نمونه‌ی آن است. پیامدهای نامناسب مشارکت در آبرسانی زلان گویای آن است که اگر نتایج مثبت مشارکت بطور نسبتاً یکسان به تمام افراد و گروه‌های اجتماعی درگیر در مشارکت بر نگردد، به اشکال مختلف توسط گروه‌های محروم و مطرود، مورد اعتراض قرار می‌گیرد. عدم پرداخت و یا پرداخت کمتر از حد قابل قبول و یا تأخیر در پرداخت هزینه‌ی ثابت ماهیانه‌ی آب توسط خانوارهای ناراضی، عدم مشارکت مالی و یا کاری آنان در تعمیرات مقطعی لوله‌ها و یا تأکید برخی از آنان بر کنترنگذاری به مثابه راهی برای

صرفه‌جویی بیشتر سایر محله‌ها و دسترسی برابر به آب، نمونه‌هایی از اعتراض اهالی به نتایج و پیامدهای مشارکت است.

اگر چه مسئولان محلی از مردم انتظار داشتند تا فرصت پیشنهادی آنان، یعنی "کنتورگذاری رایگان" را بپذیرند اما مردم به دلایل خاص خویش در طول پانزده سال به این "فردی‌سازی سیاسی مفهوم مشارکت" نه گفتند و حاضر نشدند در یک "کنش عقلانی معطوف به هدف" دولت مشارکت کنند. در تجربه‌ی مشارکتی و درون‌زای آبرسانی زلان، می‌توان مشارکت را گونه‌ای "عزم جمعی یا حفظ حیثیت در مقابل" نبود حکمرانی خوب (شفافیت و پاسخگویی ادارات دولتی) یا نوعی "اعتراض" تلقی کرد که نیروی مردم در یک مقطع زمانی محدود و به شکل ضربتی و فوری برای هدف مردمی بسیج گردید و به نتیجه‌ی تقریباً مورد انتظار عمومی نایل شد. برخلاف نظر پاتنام که معتقد است: «اگر نارضایتی از دولت افزایش می‌یابد، نباید فقط به عملکرد دولت نگاه کرد بلکه باید رویکرد سرمایه‌ی اجتماعی را نیز در آن لحاظ کرد و پاسخ داد» (پاتنام، ۱۳۸۹: ۱۰۹-۱۰۸)، تجربه‌ی مشارکت عمومی و حداکثری مردم روستای زلان در فرایند آبرسانی، در مقابل عدم پاسخگویی مسئولین به نیاز مبرم و در عین حال فوری آنان تحقق یافت. اگر چه طبق قوانین برنامه‌های توسعه و قانون اساسی، توسعه‌ی مناطق روستایی از وظایف اصلی دولت محسوب می‌شود، اما چه کاری، کجا و چگونه باید انجام گیرد، بایستی بر مبنای اصل "برای مردم و توسط خود آنها" باشد. اگر تمامی یک اقدام توسعه‌ای همچون فرایند آبرسانی زلان، از طراحی تا بهره‌مندی از نتایج حاصله را مردم خود بطور صد در صد انجام می‌دهند همواره بیانگر نقش تسهیل‌گری دولت در توسعه نیست؛ گاهی نارضایتی از مسئولین محلی به‌عنوان نمایندگان دولت در سطح خرد، به خاطر عدم ایفای رسالت قانونی و رسمی آنها می‌تواند عامل اصلی در مشارکت کامل مردم در یک طرح مثل فرایند آبرسانی زلان باشد.

پیشنهادات

"حفظ هویت و حیثیت" اجتماعی، خواه در مقابل نهادهای توسعه‌ای دولت‌محور باشد یا در مقابل سایر اجتماعات همجوار؛ و خواه یک ارزش فی‌نفسه محسوب گردد، یک مفهوم محوری در تحلیل مشارکت مردم جامعه‌ی مورد مطالعه تلقی می‌شود که این مهم همواره بایستی مد نظر کارگزاران توسعه‌ای قرار گیرد. معنای این مفهوم در جامعه‌ی مورد مطالعه در یک فضای رقابتی با سایر اجتماعات همجوار از یک طرف و با دولت به نیابت

مسئولان محلی از طرف دیگر بر ساخت می‌شود و همان قدر که دارای بار معنایی ارزشی و هنجاری است، با خود معنای قدرت و توانمندی جمعی را حمل می‌کند. مسئولان نهادهای دولتی در سطح محلی بایستی در حد امکان و با خلاقیت خود نسبت به اتخاذ استراتژی و راهکار محلی مناسب در مقابل نوع درخواست و نیاز اجتماع محلی و تشخیص میزان ضرورت نیاز اجتماع و اقدامات به موقع اهتمام جدی داشته باشند. به تعبیر دیگر کارگزار دولتی نباید نسبت به انواع درخواست اجتماع محلی با درجات ضرورت متفاوت به یک شیوهی واحد برخورد کند. از این رو اتخاذ یک رویکرد و راهکار بینابینی که سبب تعادلی پویا بین رضایت اجتماع محلی و حفظ قوانین و مقررات دولتی شود، یک ضرورت است. اگر مردم جامعه‌ی مورد مطالعه در طول ۱۵ سال، پیشنهاد کنترنگذاری و قیمومیت اداره‌ی آب و فاضلاب روستایی را نپذیرفتند، جا دارد که مسئولان دولتی نسبت به احساس همدلی و درک جامعه‌ی مورد مطالعه با اهتمام بیشتر بنگرند.

فهرست منابع:

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۶). توسعه‌ی روستایی با تأکید بر جامعه‌ی روستایی ایران، نشر نی.
- برگر، پیتر و دیگران (۱۳۸۱). ذهن بی‌خانمان: نوسازی و آگاهی، ترجمه‌ی محمد ساوجی، نشر نی.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۹). جامعه‌ی برخوردار، سرمایه‌ی اجتماعی و زندگی عمومی؛ در کتاب سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه) کیان تاجبخش، ترجمه‌ی افشین خاکباز و حسن پویان، نشر شیرازه.
- رسولی، بهرام (۱۳۹۲). بررسی تمایل مشارکتی شهروندان در مدیریت و توسعه‌ی پارک‌های محله‌ای تهران، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- رهنما، مجید (۱۳۷۷). مشارکت؛ در کتاب نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ولفگانگ زاکس، ترجمه‌ی فریده فرهی، نشر مرکز.
- سندلای، جان هرال (۱۳۹۵). پساتوسعه و رویارویی گفتمان - عاملیت؛ در کتاب سیری در پساتوسعه، ویراسته‌ی آرام ضیایی، ترجمه‌ی موسی عنبری و دیگران، نشر علمی (تحت انتشار).
- عنبری، موسی (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی توسعه، از اقتصاد تا فرهنگ، نشر سمت.
- فاستر، جرج، م. (۱۳۷۸). جوامع سنتی و تغییرات فنی، ترجمه‌ی مهدی ثریا، نشر کتاب فرا.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۹). سرمایه‌ی اجتماعی و زندگی عمومی؛ در کتاب سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه) کیان تاجبخش، ترجمه‌ی افشین خاکباز و حسن پویان، نشر شیرازه.
- قاسمی‌نژاد، ابوذر (۱۳۹۱). بررسی رابطه‌ی هویت اجتماعی و مشارکت اجتماعی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی توسعه، دانشگاه تهران.
- کرسول، جان (۱۳۹۱). پویش کیفی و طرح پژوهش، ترجمه‌ی حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، نشر صفار اشراقی.
- کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۲). توسعه‌ی اجتماعی، نشر دانشگاه تهران.
- متیوس، سالی (۱۳۹۵). چه باید کرد؟ بینش‌ها و تجربه‌های یک سازمان غیر دولتی در سنگال؛ در کتاب سیری در پسا توسعه، ویراسته‌ی آرام ضیایی، ترجمه‌ی موسی عنبری و دیگران، نشر علمی (تحت انتشار).

مرکز آمار ایران (۱۳۷۶). شناسنامه‌ی آبادی‌های کشور (استان کرمانشاه، شهرستان جوانرود).

ملکات، سریتواس آر و استیوز، لزی (۱۳۹۰). ارتباطات توسعه در جهان سوم، ترجمه‌ی شعبان‌علی بهرام‌پور، نشر پژوهشکده‌ی مطالعات اجتماعی و فرهنگی.

موریس، آرتور (۱۳۸۷). جغرافیا و توسعه، ترجمه‌ی صدیقه لطفی، نشر دانشگاه مازندران.

یوسفوند، امین (۱۳۹۴). روند تغییرات مشارکت‌های محلی از یک دهه قبل از اصلاحات ارضی تا دهه‌ی ۱۳۸۰ در میان قوم لک، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی توسعه، دانشگاه تهران.

Clever, F. (1999). "Paradoxes of participation: questioning participatory approaches to development", journal of international development.

Hall, A. (1986). Community participation and rural development, in community participation, social development and the state.

Midgley, J. and et.al. (1986). Community participation, social development and the state, methuend, London.